

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

حفظ کرامت انسانی در سلامت روان

ناصر خداپنده لو

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد ابهر، ایران

۱۴moshaver@gmail.com

چکیده:

مفهوم کرامت، حق ذاتی و مسلم هر انسانی به احترام و حرمت و عزت نفس بوده که صرف نظر از قراردادهای اعتباری اجتماعی نظیر جنس، رنگ، نژاد و وضع جسمی و روانی مورد احترام همگان است. سلامت روان نیز به سطحی از عملکرد اشاره می کند که فرد با خود و سبک زندگی اش آسوده و بدون مشکل باشد. این پژوهش که با موضوع حفظ کرامت انسانی در سلامت روان آماده شده است، ابتدا کرامت انسانی از نظر لغوی، مفهومی و اصطلاحی بیان شده است و در ادامه کرامت انسانی در قرآن که به کرامت تکوینی و اکتسابی تقسیم می شود مورد بررسی قرار گرفته است، و در ادامه بعد از بیان تاریخچه و تعریف سلامت روان، اصول و نظریات سلامت روان ذکر شده است و در نهایت حفظ کرامت انسانی در سلامت روان بیان شده است.

واژه های کلیدی: کرامت، انسان، سلامت روان.

Preserve human dignity in mental health

Naser, Khodabandeloo

Department of Humanities, Islamic Azad University of abhar, Zanjan, Iran

ABSTRACT:

Dignity, inherent right of every human respect and dignity and self-esteem and that regardless of the social credit agreements, such as sex, color, race and physical and mental condition is respected. Mental health also points out that the level of performance and style with the rest of his life and without problems. This research has been prepared with the preservation of human dignity in mental health, the dignity of the word, the term stated in the Quran that the dignity of genetic and acquired human dignity continue to be evaluated is divided, And then after the history and definition of mental health, mental health theories and principles listed and finally human dignity is expressed in mental health.

Keywords: *dignity, human, mental health.*

۱- مقدمه

پرداختن به کرامت^۱ انسانی و مقوله هایی مانند آن در جهت تحقق هدف خداوند متعال از بعثت پیامبران و در جهت تزکیه و تربیت و به کمال رساندن انسان است و از این جهت بسیار اهمیت دارد به طوری که در قرآن متذکر شده است: "اوست آن کسی که در میان بی سوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات وی را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد، و (آنان) قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. (سوره جمعه، آیه ۲۶). کرامت انسانی تحفه ای الهی است که از رب کریم بر جوهر انسان دمیده شد. و بدین سان او را بر مسند کرامتی نشانند که مسجود ملائک شد و انسان به دنیا آمد تا کرامت الهی خود را اظهار کند. و در این میان دوران کودکی سرنوشت سازترین ایام پی ریزی پایه های شناخت عملی کرامت انسانی است. هر نظام و مکتبی با توجه به مبانی بینشی و ارزشی ویژه پایه گذاری می شود و سازکارها و سامانه آن با توجه به اهداف، مبانی ارزشی و بینشی شکل می گیرد بنابراین در بررسی هر نظام باید مبانی هستی شناختی، انسان شناختی، جامعه شناختی و روان شناختی مدنظر باشد. و از آنجایی که کرامت انسانی و سلامت روان ارتباط متقابل با هم دارند و برخورداری از سلامت روان باعث برخورداری از کرامت انسانی و حفظ آن می شود در طی سالهای اخیر در کشور ما ایران، مانند سایر کشورهای جهان علاقه بخصوصی از طرف مقامات دولتی و هم از جانب مردم به امر سلامت روانی نشان داده شده است و اثرات آن در بهبود اوضاع بیمارستانهای روانی و به کاربردن روشهای صحیح در پیشگیری مشاهده می گردد. تقریباً ۶۰ سال پیش سازمان بهداشت جهانی^۲ سلامت را به عنوان حالتی از بهزیستی کامل جسمی، ذهنی و اجتماعی و نه صرفاً بیمار نبودن تعریف کرد (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۴). موضوع این تحقیق حفظ کرامت انسانی در سلامت روان که با بیان مفهوم و مبانی نظری کرامت انسانی، کرامت انسان در قرآن و انواع آن، درجات کرامت، کرامت از منظر اندیشمندان و در ادامه به بیان تاریخچه و مفهوم سلامت روان، اصول سلامت روان و خصوصیات افراد دارای سلامت روان و نظریات مرتبط با سلامت روان و در نهایت به جمع بندی و نتیجه گیری پرداخته شده است.

۲- کرامت انسانی:

۲-۱- تعریف لغوی کرامت انسانی:

کرامت انسانی در لغت دارای معانی مختلفی است که مهمترین آنها عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگیها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت. (دهخدا، ۱۳۷۳) معادل انگلیسی واژه کرامت انسانی "human dignity" است که شرف، افتخار، استحقاق احترام، عنوان، رتبه و مقام، امتیاز و شرافت برجسته معنا میدهد. (بلاک^۳، ۱۹۹۱)

۲-۲- تعریف اصطلاحی کرامت انسانی:

کرامت انسانی، علیرغم اهمیت بسیار والایی که دارد، تاکنون در هیچ یک از اسناد بین المللی و قوانین داخلی کشورها تعریف نشده است. با وجود این، فلاسفه و اندیشمندان سعی کرده اند، کرامت انسانی را تعریف و معنای اصطلاحی آن را روشن سازند

۱ Munificence

۲ Who, World Health Organization

۳ Black

علامه محمدتقی جعفری تبریزی ضمن تقسیم کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی میگوید: در اسلام دو نوع کرامت برای انسانها ثابت شده است که عبارت است از:

۱) کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسانها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت برخویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند از این صفت شریف برخوردارند.

۲) کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی میشود. این کرامت، اکتسابی و اختیاری است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است. (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰)

با توجه به آنچه گفته شد، میتوان کرامت ذاتی و اکتسابی را به شرح زیر تعریف کرد: کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته میشود که تمام انسانها به جهت استقلال ذاتی، توانایی اخلاقی و وجهه و نفخه الهی که دارند، به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند و کرامت اکتسابی آن نوع شرافت و حیثیتی است که انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد و کمال و کسب فضایل اخلاقی، آن را به دست میآورد. به عبارت دیگر "هرچند همگان دارای شئون و حیثیت برابرند، اما انسان قادر است با به کار انداختن استعدادهای جمیله خود مراتب کمال انسانیت را طی کند و به مدارج عالی ارتقا یابد". بدین ترتیب است که رفتار انسانی منزلتهای متفاوتی را ایجاد میکند و در نتیجه، افراد نسبت به یکدیگر برتری پیدا میکنند. (هاشمی، ۱۳۸۴)

۳-۲- مفهوم کرامت انسانی:

این واژه، از کلمه Dignity در انگلیسی گرفته شده و آنچه در متون انگلیسی و نوشته‌های مربوط به حقوق بشر آمده، همین واژه دیگری است که در فارسی از آن به حیثیت، کرامت و یا منزلت انسانی یاد می‌شود. در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، اگرچه به صراحت از کرامت انسانی سخنی به میان نیامده است، اما از مفاد آن می‌توان استفاده کرد که حقوق بشر بر پایه کرامت انسانی وضع شده است. چنان که اکنون در تمامی اسناد مربوط به حقوق بشر، اصطلاح کرامت و منزلت انسانی وجود دارد. از این رو، در متن و یا مقدمه اسنادی چون: اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی، کنوانسیون رفع تبعیض نژادی، کنوانسیون منع شکنجه، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون چهارگانه ژنو و حقوق بشر دوستانه به موضوع کرامت انسانی اشاره شده است. نکته جالب توجه در همه این اسناد آن است که به همراه ذکر عنوان کرامت یا منزلت انسانی، به مسئله تساوی حقوق و آزادی انسان نیز پرداخته شده است. به بیان دیگر، انسان آزاد آفریده شده و از حقوقی، به نام حقوق اساسی برخوردار است که باید آن را برای همگان به رسمیت شناخت. ضمن اینکه گوناگونی ظاهری و نژادی و تنوعات محیطی و منطقه‌ای، هیچ تاثیری در بهره‌مندی انسان از حقوق و آزادی‌هایش ندارد و همگان در این زمینه یکسانند. به عنوان مثال، در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر ضمن شناسایی کرامت ذاتی، تمامی اعضای خانواده بشری و حقوق برابر و انتقال ناپذیر آنان به عنوان اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان، به ایمان دولت‌های عضو سازمان ملل متحد بر اساس منشور، به کرامت انسان و ارزش شخص انسانی، اشاره شده است. همچنین در ماده یک اعلامیه نیز آمده است. «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ کرامت و حقوق با هم برابرند.» به این ترتیب اعلامیه به نحو مؤکدی، کرامت انسانی را مورد توجه قرار داده و ضمن افزودن قید «ذاتی» به کرامت، آن را متعلق به

تمامی اعضای خانواده انسانی دانسته و همچنین کرامت ذاتی را به عنوان مبنای عدالت، آزادی و صلح جهانی محسوب نموده است. (قربان نیا، ۱۳۸۷)

۴-۲- کرامت انسان در قرآن:

قرآن در ارتباط با کرامت انسانی دو گونه تعبیر دارد: در بخشی از آیات قرآن، از کرامت و ارجمندی انسان و برتری او بر دیگر موجودات سخن به میان آمده و در برخی، انسان، نکوهش و حتی بحث فروتر بودن او از حیوانات مطرح شده است. در سوره اسراء، تکریم خداوند نسبت به بنی آدم و برتری آنها بر بسیاری از مخلوقات مطرح می‌شود: و لقد کرمنا بنی آدم و حملنا هم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلنا هم علی کثیر مِمَّنْ خلقنا تفضیلاً؛ فرزندان آدم را حقیقتاً گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا بر نشانیدیم و از چیزهای پاک به ایشان روزی دادیم و بر بسیاری از آفریده‌های خود، آنان را به گونه‌ای برجسته برتری دادیم. در سوره تین و مؤمنون نیز از این که انسان در بهترین نوع خلق شده، سخن گفته شده است: "لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم"؛ حقیقتاً ما انسان را در بهترین بنیان آفریدیم، و "فتبارک الله احسن الخالقین"؛ خجسته و پر برکت باد بر خداوند که بهترین آفریننده است. همچنین در آیات دیگری بر این مسئله تأکید شده که آن چه در آسمان و زمین است، برای انسان مسخر گشته و یا این که برای او خلق شده است: "الم تروا ان الله سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض و اسبغ علیکم نعمه ظاهراً و باطنه"؛ آیا مشاهده نکرده و نیاندیشیدند که به راستی خداوند آن چه را در آسمان‌ها و زمین است برای شما مسخر ساخته و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور کامل بر شما فرو ریخت. اینها همه نشان‌گر کرامت، شرافت و برتری انسان بر سایر موجودات و مخلوقات هستی است. به طور کلی، از آنچه در کلمات و بیانیات فلاسفه اسلامی و یا متون دینی ما درباره انسان آمده است، دانسته می‌شود که انسان فی نفسه و با مشخصه‌هایی که دارد، موجودی با ارزش، محترم و برخوردار از کرامت و منزلت است و خداوند با خلق این موجود، او را به صفات خویش متخلق کرده و جانشین خود بر روی زمین قرار داده است، چنان که در قرآن کریم می‌خوانیم: "و اذا قال ربک للملائکه انی جاعل فی الارض خلیفه" یعنی می‌خواهم موجودی را بیافرینم که صبغه خلافت الهی داشته باشد. اگرچه ملائکه سخنانی را درخصوص بدی‌ها و مفسد آدمی بیان می‌کنند، اما در مجموع خداوند انسان را موجودی ارزشمند معرفی می‌کند. از این رو، هر انسانی که به وجود می‌آید، فی نفسه دارای احترام بوده و از منزلت و کرامت ذاتی برخوردار می‌باشد و مطابق با همین شان و منزلت نیز باید با او رفتار کرد. اعم از اینکه این کرامت و حرمت را امری ذاتی و مربوط به طبیعت و سرشت خود آدمی بدانیم یا اینکه گفته شود این ویژگی را خداوند به او عطا نموده است. کرامت انسانی در قرآن کریم به دو صورت بیان شده است که عبارتند از:

(۱) کرامت تکوینی^۱: با توجه به مطالب گذشته، به این نتیجه رسیدیم که قرآن برای حضرت آدم به منزله نمونه یک انسان کامل، منزلت‌ها و برتری‌هایی را قرار داده است. و هم چنین بیان شد که این امتیازات اختصاص به آدم نخستین ندارد، بلکه هر یک از انسان‌ها و فرزندان آدم که بتوانند به مقام انسان کامل برسند، شایسته این امتیاز و مقام برتر در نزد پروردگار می‌شوند. در حقیقت، مراد از کرامت تکوینی یا ذاتی این است که خداوند انسان را به گونه‌ای خلق کرده که در مقایسه با سایر موجودات دارای مزایای بیشتری است. در واقع این نوع کرامت ناشی از توجه ویژه خداوند به انسان است و تمام انسان‌ها از این مقام برخوردارند، یعنی انسان چه بخواهد و چه نخواهد از این کرامت تکوینی برخوردار است. البته در موارد متعددی، قرآن، انسان را شایسته کرامت و فضیلت برتر از این مقدار نیز می‌داند و آن را در سایه مبارزه پیوسته با نفس اماره و شیطان وسوسه

۱ Genetic Munificence

گر می داند. چنان که در مطالب پیشین نیز گذشت بعضی از آیات قرآن بر کرامت تکوینی انسان دلالت دارند از جمله آیات ۴ از سوره تین، آیه ۱۴ سوره مومنون و آیه ۷۰ سوره اسراء. نتیجه این که کرامت تکوینی به آن دسته از شایستگی های ذاتی و استعدادهای انسانی اطلاق می گردد که می تواند در معرض هدایت و تربیت تعالیم آسمانی پیامبران قرار گیرد و باعث رشد و صعود انسان به مراتب کمال و مقامات والای انسانی شود و انسان را تا سر حد فرشته شدن و بالاتر از آن تعالی بخشد، بنابراین می توان گفت که کرامت تکوینی عبارت است از: برخورداری از شرافت وجودی نشأت گرفته از روح مقدس خدایی. البته در مورد تفاوت کرامت با فضیلت، علامه طباطبایی، می فرماید: هر یک از دو کلمه تفضیل و تکریم، ناظر به یک دسته از موهبت های الهی است که به انسان داده شده است؛ تکریمش به دادن عقل است که به هیچ موجود دیگری داده نشد، و انسان به وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر و نیک را از بد تمیز می دهد... تفضیل انسان بر سایر موجودات به این است که از آن چه که به آنها داده، سهم بیشتری به انسان داده است. اما در مورد این که کرامت انسانی ناشی از چیست و مظاهر کرامت تکوینی چه مواردی هستند، گفته اند که مظاهر کرامت انسان در قوه، عقل، آزادی اراده و سایر ویژگی های متمایز او از موجودات دیگر است. در واقع بزرگ ترین ویژگی انسان در دو مورد است: عقل و اختیار. و انسان با کمک قوه عقل و اراده خود می تواند به درجات بالاتر نایل آید. (صابر و شجاعی، ۱۳۸۹)

۲) کرامت اکتسابی: در قرآن بعد از ذکر آیاتی که دلالت بر کرامت تکوینی انسان می کردند، به آیاتی نیز درباره کرامت اکتسابی یا اختیاری انسان نیز اشاره می شود. منظور از کرامت اختیاری، دست یابی انسان به کمالات و ویژگی هایی است که با اختیار و اراده انسان حاصل می شود. بر خلاف کرامت تکوینی که در وجود انسان ها نهفته بود، در این جا تلاش و سعی انسان به منزله پلی برای رسیدن به درجات بالاتر ایفای نقش می کند. در حقیقت انسان ها استعداد رسیدن به کمالات را دارند، ولی برخی با اختیار و اراده خود به آن دست می یابند و برخی دیگر راه مقابل را طی می کنند که به اسفل السافلین چارپایان منجر می گردد. در این دو تعبیر، به سبب آن که آنها (برخی انسان ها) عقل و اندیشه خود را به کار نبسته اند به این راه ختم شده اند. اما آیاتی که دال بر کرامت اکتسابی است، عبارتند از: "ان اکرمکم عند الله اتقیکم"؛ به راستی که گرمی ترین شما در پیشگاه خداوند، با تقواترین شماس است و یا آیاتی که بعد از نفی کرامت اکتسابی، برخی از انسان ها را از آن استثنا می نماید؛ "ان الانسان لفي خسر. الا الذين آمنوا، ان الانسان خلق هلوعا... الا المصلين". از آن جا که تنها معیار کرامت در نزد خداوند، تقواست و راه رسیدن به او همان تقوا پیشه کردن است؛ در نتیجه باید گفت که کرامت انسان دارای حد و حدودی نیست؛ چرا که تقوا که پایه و اساس کرامت است، محدود نیست. و هم چنین با توجه به این که خداوند تقوا را به خودش نسبت داده است، و بر اساس آیات قرآن، هر چه در نزد خداست، زوال ناپذیر است؛ بنابراین با توجه به ثبات خدا، کرامت انسان نیز پایدار و ثابت است، ولی برای رسیدن به کرامت اکتسابی باید تلاش کند و تقوا پیشه نماید. (همان)

۵-۲- درجات کرامت :

همه انسانها در برخورداری از کرامت یکسان نیستند و با همدیگر متفاوتند. به همان دلیلی که کرامت را متغیر و زوال پذیر دانستیم میتوانیم بگوییم که هر دو نوع کرامت دارای درجات و مراتب می باشد، زیرا به نسبت تلاش و کوشش انسان می تواند کم رنگ یا پررنگ شود. استاد علامه محمد تقی جعفری کرامات را دارای ۶ درجه و مرتبه می داند که به طور اختصار عبارتند از:

- ۱- انسان طبیعی اولی که رشد شخصیتش به مرحله ای نرسیده که ضرورت و شایستگی های زندگی مستند به اصل و قانون را درک نماید و بپذیرد و بر مبنای آن زندگی کند، او از انسانیت فقط کالبد جسمانی را دارد و مغز ناشکفته و شخصیت در حال بذری که در مزرعه وجودش کاشته شده است.
- ۲- انسان در مرحله دوم با رشد نسبی شخصیت می تواند دیگر انسانها را نیز مانند خود درک کند و زندگی خود را بر مبنای اصول و قوانینی قرار دهد و هماهنگی با زندگی دیگر انسانها را می پذیرد و برای مراعات حال دیگران در درون خود احساس تعهد می کند.
- ۳- انسان در مرحله سوم می تواند موجودیت خود را با استناد به آغاز و انجام معنی دار هستی تفسیر معقول نماید و معتقد است وجود او از مبدائی بی نیاز و توانا سرچشمه گرفته است و باید در این دنیا از اراده آن مبدأ که به وسیله عقل و وجدان درک می شود و به نفع مردم است، پیروی کند.
- ۴- انسان در مرحله چهارم از نمایندگان خدا در روی زمین که پیامبران نامیده می شوند نیز تبعیت می کند. پیامبرانی که اراده خدا را در باره خلقت و انسان برای انسانها تبلیغ می کنند این گروه از انسانها منحصر در چهار گروهند که عبارتند از یهود - مسیحی - مجوس و مسلمان.
- ۵- انسان در مرحله پنجم علاوه بر اینکه سایر ادیان ابراهیمی را قبول دارد، اسلام را پذیرفته و به آن معتقد می شود و معتقد است که اسلام همان دین الهی است که پیامبران از حضرت نوح به اینطرف آن را تبلیغ کرده اند.
- ۶- انسان در مرحله ششم، اسلام را پذیرفته و بدان عمل کرده و کمال او به درجه تقوا رسیده است. مطابق ترجمه آیه کریمه: "ان اکرمکم عندا... اتقیکم": "عالیترین درجه کرامت مخصوص انسانهای با تقوا است. انسانهای با تقوا کسانی هستند که ذات خود را از آلودگی ها و عوامل تباه کننده حفظ می کنند. تقوا در این تعریف همان صیانت ذات در جاذبه کمال الهی است و تقوا به این معنا در پنج گروه از گروههای شش گانه - به جز گروه اول - قابل وصول است. (همان)

۲-۶- کرامت از منظر اندیشمندان اسلامی

کرامت: (مصدر عربی) کاری خارق العاده که به دست اولیاء انجام میگیرد، "داشتن صفات پسندیده، بزرگواری، شرافت، بخشندگی، سخاوت" چنانکه از تعریف بالا برمیآید، کرامت هم شامل امور ملموس و ظاهری می شود که به صورت خارق العاده نمود می یابد و هم به صورت معنوی در شکل اخلاق پسندیده و در یک کلمه سعادت بروز می کند. رسیدن به هر دو از طریق خلوص دل و پاک ساختن نیت به وجود آید. مردم ظاهر بین امور مادی و کارهای شگفت صوری را می بینند و ارزش والای اخلاق کریمانه و شرافت معنوی را درک نمی کنند. اما نزد مردان خدا امور معنوی اهمیت بیشتر دارد و کوشش عارف برای رسیدن به آن، کمال معنوی است. آدمی وقتی به کرامت باطن می رسد، به بی نیازی مطلق که عین آرامش است نایل می شود. در ادامه هر دو نوع کرامت شرح و تبیین می شود، اما در عرفان اصل و حقیقت کرامت، دور ساختن نفس از همه موانع اخلاق ردیبه است. در این حال، عارف حضور قلب می یابد و به خدا می رسد. چون به حق می رسد، از نیروی او هم بهره می برد و به صورت کرامتی ظاهری و حسی تجلی می کند. هرچند که هدف عارف ارائه و ظاهرسازی آن نیست و باید بکوشد تا این کرامت ظاهری دام وی نباشد و او را از تعالی نفس باز ندارد و در ظواهر امور اسیر نکند. بنابراین عرفا از کرامت حسی به دام خویش تعبیر می کنند و حال آنکه مردم عامی ایشان را بدان کارهای خارق العاده می شناسند و هرچه این کارها بزرگتر جلوه

کند، می‌پندارند که وی عارف بزرگتری است و بیشتر با خدا ارتباط دارد. اما باید چشم‌ها را شست و از آن کرامات به عنوان نشانه‌هایی برای معرفت حق یاد کرد؛ معرفتی که هدف غایی عرفان و علوم لدنی و فراحسی است. (انوری ۱۳۸۱)

کرامت اظهار اتصال به نیرویی فراتر از حد بشری است که یک شخص توانسته بدان دست یابد. این پدیده نزد اهل همه ادیان پذیرفته است و در میان ادیان خاور زمین، به ویژه ادیان هند و چین، مانند بودا، هندو و کنفوسیوس جایگاه ویژه‌ای دارد. مرتاضان هندی نیز به کرامت‌هایی دست می‌زنند که آن را از نیرویی غیرالهی می‌گیرند. پس کرامت دو گونه است: "رحمانی" مختص اولیاء و صالحان است و "غیرالهی" که غیر مؤمن به خدا به آن می‌رسد و این نیروی خارق‌العاده و کار شگفت‌آور، گاه در مسیر معرفت خدا نیست. تفاوت میان کرامت و کار برخی از ایشان، فریبندگی آنان است که برای جلب توجه و رضایت مردم نسبت به خویش انجام می‌گیرد و در راه شناخت خدا برای مردم دام می‌گسترند و این کار ساحری و کاهنی است؛ اما عرفا تعصبی به اظهار کرامت‌های خویش ندارند و آن را آفت و غرور می‌دانند. (همان)

۷-۲- کرامت از منظر روان‌شناسی:

کرامت امری شگرف است که انجام آن به نیروی فراحسی نیازمند است. چون نمی‌توان آن را با قوای طبیعی بشر انجام داد، بنابراین باید سرچشمه و منبعی غیرمادی داشته باشد. این منبع فرامادی مقوله‌های روانی است، پس برای پی بردن به اساس کرامت باید از نظر روانی به دنبال شناخت آن بود. ما تا وقتی روان و انرژی آن را نشناخته ایم، نمی‌توانیم اموری چون کرامت را خارق‌عادت بنامیم، چون به مبادی اولیه منشأ آن دسترسی نداریم. ما تا عالم مطلق نباشیم، دلیل و صلاحیت کافی نداریم تا یک رویداد را هر قدر محیرالعقول و فوق‌عادی باشد، خارق‌قوانین طبیعت بشماریم، مگر اینکه مطمئن باشیم که تمامی قوانین طبیعی جهان را مو به مو شکافته ایم و شناخت‌هایم، چرا که در غیر این صورت ممکن است مشکل ما در قانونی نهفته باشد که از آن بی‌خبریم. (استیس^۱، ۱۳۶۱)

اکویناس^۲ بر آن است که همه موجودات به نوعی از خدا تقلید می‌کنند و موفق‌ترین این تقلیدها را انسان انجام می‌دهد. چیزهای متفاوتی از گوهر الهی به طرق گوناگون و هریک طبق روش خواست خویش تقلید می‌کنند. زیرا هر چیزی دارای وجود خاص خویش است که از وجود چیز دیگر کاملاً مجزا است. پس خداوند نخستین مثال یا نمونه‌عالی همه چیزها است. اما تقلید از خداوند در انسان به کاملترین شکل صورت می‌گیرد و دارای کیفیت خاصی است که دقیقاً از همان تصویر خداوند بر می‌خیزد و تصویر خدا نیز در اصل سرچشمه راه بردن و به کار زدن واقعی عشق و معرفت بر محور خداست. پس انسان تا حدودی که خدا را می‌شناسد و دوست می‌دارد، از او تقلید می‌کند. (مورنو^۳، ۱۳۷۶)

کرامت از دیدگاه یونگ^۴: علم روانشناسی در صدد یافتن راهی برای سعادت درونی فرد است که با آن به آرامش مطلق برسد. این آرامش هنگامی فراهم می‌شود که امراض و رنج‌ها از همه جوانب زندگی رخت بربندد و آدمی به رضایت برسد. این رضایتمندی رخ ندهد مگر با ابدیتی الوهی. یافتن این ابدیت الوهی بالاترین درجه کمال یافتگی است و انسان به درجه‌الای کرامت‌های معنوی میرسد. "برای آدمی مهم است که بکوشد وضعیتی درونی ایجاد کند که سبب سعادت روحانی او شود."

۱ Sullivan

۲ Ekoyans

۳ Morno

۴ Jung

تجربه نشان می‌دهد که در بعضی از شرایط روانی انسان به ثمرات ابدی می‌رسد. کیفیتی از ابدیت، جاودانگی، کیفیت فراتر رفتن از خود. این گونه افراد کیفیتی الهی دارند و کیفیتی کسب می‌کنند که با چیزهای مصنوعی حاصل نمی‌شود. (یونگ، ۱۳۸۶، به نقل از پشت دار و عباسپور خرمالو، ۱۳۸۸)

۳- سلامت روان^۱:

۳-۱- **تاریخچه سلامت روان:** در سالهای اخیر، گروهی از پژوهشگران حوزه سلامت روانی ملهم از روان‌شناسی مثبت‌نگر، رویکرد نظری و پژوهشی متفاوتی برای تبیین و مطالعه این مفهوم برگزیده‌اند. آنان سلامت روانی را معادل کارکرد مثبت روانشناختی، تلقی و آن را در قالب اصطلاح "بهبودی روانشناختی" مفهوم‌سازی کرده‌اند. این گروه نداشتن بیماری را برای احساس سلامت کافی نمی‌دانند، بلکه معتقدند که داشتن احساس رضایت از زندگی، پیشرفت بسنده، تعامل کارآمد و مؤثر با جهان، انرژی و خلق مثبت پیوند و رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و پیشرفت مثبت، از مشخصه‌های فرد سالم است. امروزه دیدگاه جدیدی در علوم وابسته به سلامت بطور اعم و در روانشناسی بطور اخص در حال شکل‌گیری و گسترش است. در این دیدگاه و رویکرد علمی تمرکز بر روی سلامتی و بهبودی از جنبه مثبت و نیز توضیح و تبیین ماهیت روانشناختی بهبودی است. (ریف^۲ و سینگر^۳، ۱۹۹۸، آنتونوفسکی^۴، ۱۹۸۷، استرامپفر^۵، ۱۹۹۰)

نظریه پردازان «گستره‌ی زندگی»^۶ نظیر اریکسون^۷ (۱۹۵۹) و نوگارتن^۸ (۱۹۷۳) التزام‌های دوره‌های مختلف سنی و راه‌هایی را که فرد بطور موفقیت آمیزی می‌تواند بر آنها غلبه کند را تبیین کرده‌اند. روانشناسان علاقمند به رشد و پیشرفت کامل انسان سازه‌هایی از قبیل خودشکوفایی، ابراهام مزلو^۹ (۱۹۶۸)، رشد کمال، گوردون آلپورت^{۱۰} (۱۹۶۸) و تفرد، کارل یونگ (۱۹۳۲) را پیشنهاد و ارائه کرده‌اند. (مایرز^{۱۱} و دینر^{۱۲}، ۱۹۹۵، به نقل از هاشمی نصرت آباد و همکاران، ۱۳۹۰)

۳-۲- تعریف سلامت روانی:

ریشه لغوی واژه انگلیسی «health» در واژه‌های «haelth»، «haelp» به معنی کل قرار دارد. گراهام^{۱۳} (۱۹۹۲) این ریشه لغوی را با کلمات انگلیسی «halig» و آلمانی قدیم «heilig» که به معنی مقدس است ارتباط داده است. بنابراین از نظر ریشه‌شناسی لغوی سالم بودن به معنی کلیت داشتن یا مقدس بودن است بدین ترتیب شامل ویژگی‌های معنوی و فیزیکی است. از نظر سارتریوس سلامتی غیر قابل رویت است. و مستلزم تظاهر کارکرد بخش‌های مستقل روانی جسمی و اجتماعی

۴ mental health

۵ Reef

۶ Singer

۷ Antunufsky

۸ Strumpfer

۹ Life-span

۱۰ Eregson

۱۱ Neugarten

۱۲ Abraham Maslow

۱۳ Gordon Allport

۱۴ Myeris

۱۵ Diener

۱۶ Graham

است. مانی این رویکردهای کل نگر در مورد سلامتی را به کل جهان گسترش می دهد و سلامتی بشر را از سلامتی سیاره زمین جدایی ناپذیر می داند. سلامت روانی را می توان براساس تعریف کلی و وسیع تر تندرستی تعریف کرد. طی قرن گذشته ادراک ما از تندرستی به طور گسترده ای تغییر یافته است. عمر طولانی تر از متوسط، نجات زندگی انسان از ابتلاء به بیماریهای مهلک با کشف آنتی بیوتیک ها و پیشرفتهای علمی و تکنیکی در تشخیص و درمان، مفهوم کنونی تندرستی را به دست داده که نه تنها بیانگر نبود بیماری است. بلکه توان دستیابی به سطح بالای تندرستی را نیز معنی می دهد. چنین مفهومی نیازمند تعادل در تمام ابعاد زندگی فرد از نظر جسمانی، عقلانی، اجتماعی، شغلی و معنوی است. این ابعاد در رابطه متقابل با یکدیگرند، به طوری که هر فرد از دیگران و از محیط تاثیر می گیرد و بر آنها تاثیر می گذارد. بنابراین سلامت روانی نه تنها نبود بیماری روانی است، بلکه به سطحی از عملکرد اشاره می کند که فرد با خود وسبک زندگی اش آسوده و بدون مشکل باشد. در واقع، تصور بر این است که فرد باید بر زندگی اش کنترل داشته باشد فقط در چنین حالتی است که می توان آن قسمت هایی را که در باره ی خود یا زندگی اش مساله ساز است تغییر دهد. (هرشن سن و پاور، ۱۹۸۸، ترجمه منشی طوسی، ۱۳۷۴)

(یهودا، ۱۹۵۹، به نقل از منشی طوسی، ۱۳۷۴) مواردی را برای تعریف سلامت روانی ارائه کرد:

الف) نگرش مثبت به خود

ب) میزان رشد، تحول و خودشکوفایی

ج) عملکرد روانی یکپارچه

د) خود مختاری یا استقلال شخصی

ه) درک صحیح از واقعیت

و) تسلط بر محیط

دیگران نیز موارد را ارائه دادند ولی از نظر اسمیت^۱ (۱۹۶۱) همه ی این موارد، مفاهیم اصلی یکسان را برداشتند. بنابراین وی پیشنهاد کرد به جای شمردن اینگونه موارد بهتر است ابعاد بهداشت روانی بر اساس اصول زیر انتخاب شود:

الف) نشان دادن ارزش های مثبت بشری

ب) داشتن قابلیت اندازه گیری و تشخیص

ج) داشتن ارتباط با نظریه های شخصیت

د) مرتبط بودن با بافت های اجتماعی که برای آن تعریف و مشخص شده اند. (به نقل از منشی طوسی، ۱۳۷۴)

به این ترتیب، متخصصان بعدی کارشان را روی مفاهیمی کلی از قبیل بهنجار بودن یا بهزیستی متمرکز کردند. امروزه مفهوم مقابله به منزله ملاک سلامت روانی به نوشته های رشته های تخصصی گوناگون بهداشت روانی راه یافته است. (همان) بعضی از محققان معتقدند سلامت روانی حالتی از بهزیستی و وجود این احساس در فرد است که می تواند با جامعه کنار بیاید. سلامت روانی به معنای احساس رضایت، روان سالمتر و تطابق اجتماعی با موازین مورد قبول هر جامعه است. (کاپلان و سادوک^۲، ۱۹۹۹، ترجمه پور افکاری، ۱۳۷۶)

سازمان بهداشت جهانی، سلامت روانی را قابلیت ایجاد ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، توانایی در تغییر و اصلاح محیط

^۱ Smith

^۲ Kaplan & Sadock

اجتماعی، و حل مناسب و منطقی تضادهای غریزی و تمایلات شخصی، به طوری که فرد بتواند از مجموعه تضادها ترکیبی متعادل به وجود آورد، می داند. طبق تعریفی که این سازمان ارائه می دهد، وظیفه اصلی بهداشت روانی، تامین سلامت روان است تا به مدد آن بتواند قوا و استعدادهای روانی را پرورش داد. در واقع، بهداشت روانی مبتنی بر سه پایه است:

الف) حفظ و تامین سلامت روان

ب) ریشه کن ساختن عوامل بیماری زا و پیشگیری از ابتلاء به بیماریهای روانی

ج) ایجاد زمینه ی مساعد برای رشد و شکوفایی شخصیت و استعدادها تا حداکثر ظرفیت نهفته در آنها.

به طور کلی شخص دارای سلامت روان می تواند با مشکلات دوران رشد روبرو شود و قادر است در عین کسب فردیت با محیط نیز انطباق یابد. به نظر می رسد تعریف رضایت بخش از سلامت روانی برای فرد مستلزم داشتن احساس مثبت و سازگاری موفقیت آمیز و رفتار شایسته مطلوب است. بنابراین هرگونه ملاکی که به عنوان اساس سلامتی در نظر گرفته می شود باید شامل رفتار بیرونی و احساسات درونی باشد. (بنی جمال واحدی و احدی، ۱۳۷۰)

۳-۳- اصول سلامت روان:

چنانکه قبلاً ذکر شد، هدف اصلی بهداشت روانی پیشگیری است و این منظور به وسیله ایجاد محیط فردی و اجتماعی مناسب حاصل می گردد. بنابراین برای هر فرد لازم است که با اصول سلامت روانی آشنایی داشته باشد. از نظر شاملو (۱۳۷۶) اصول اساسی سلامت روانی عبارت است از:

الف) احترام به شخصیت خود و دیگران: یکی از شرایط اصولی سلامت روانی احترام به شخص خود است و اینکه فرد خود را دوست بدارد و به عکس، یکی از علایم بارز غیر عادی بودن، تنفر از خویش است. اصول سلامت روانی مبتنی بر تقویت افراد است، نه تخریب شخصیت آنها، بر اساس این اصول باید نسبت به دیگران اغماض و بردباری داشت و به عوض تنبیه، تشویق را پیش بینی کرد و خلاصه اینکه، برای شخصیت افراد احترام قائل شد.

ب) شناخت محدودیت های خود و دیگران: یکی از اصول مهم سلامت روانی، روبرو شدن مستقیم با واقعیت زندگی است. برای رسیدن به این مقصود، نه تنها لازم است که عوامل خارجی را شناخته و بپذیریم، بلکه ضروری است تا شخصیت خود را آن طور که واقعا هست قبول نماییم. کشمکش و خصومت با واقعیت اغلب سبب بروز اختلال روانی می گردد. شخص سالم در عین حالی که از خصوصیات مثبت و برجسته ی خود استفاده می کند، به محدودیت ها و نواقص خود نیز آشنایی دارد. البته باید خاطر نشان کرد که اگر چه خودشناسی کاری دشوار است، ولی شناختن دیگران دشوارتر است، زیرا افراد بشر از خیلی جهات با یکدیگر متفاوتند.

ج) پی بردن به علل رفتار: در هر عملی باید اصل علت و معلول حکمفرما باشد زیرا که از نظر علم، هیچ پدیده ای خود به خود به وجود نمی آید. از نظر علمای روان شناسی، رفتار خوب و بد وجود ندارد، بلکه هر رفتاری عللی دارد و اگر رفتاری برای فرد و جامعه مضر باشد، باید مانند برطرف کردن مرضی جسمی، سعی بر درمان آن نمود، بنابراین اولین قدم برای از بین بردن اختلال رفتار، یافتن دلیل آن است.

د) درک اینکه رفتار، تابع تمامیت فرد است: رفتار بشر تمامیت وجود او است، بدین معنی که هر انسانی بر اثر ارتباط خصوصیات روانی و جسمی خود دست به انجام عمل می زند. هیچ رفتاری جداگانه و در خلاء انجام نمی گیرد و هیچ عملی مستقل از سایر اعمال و خصوصیات موجود بروز نمی کند. مثلاً ناراحتی های جسمانی، اختلالات روانی را باعث می شود و

بالعکس، نارسائی های روانی سبب بروز علایم جسمانی خواهد شد.

ه) شناسایی احتیاجات اولیه ای که سبب ایجاد رفتار و اعمال انسان می‌گردد: بهداشت روانی مستلزم دانستن و ارزش دادن به احتیاجات اولیه ی افراد بشر است. بعضی از این احتیاجات جسمانی است، مانند نیاز به آب و غذا و گروهی از آنها روانی می‌باشد مانند احتیاج به پیشرفت. بشر دائما تحت تاثیر این نیازهاست و به نسبت محرومیت و یا ارضاء آنها رفتار می‌کند، بنابراین زندگی او هیچ وقت در حالت سکون مطلق نیست، بلکه دائما در کشمکش و تلاش برای به دست آوردن آب، غذا، مسکن و عشق به پیشرفت موقعیت اجتماعی و امنیت جسمی و روانی است. شخصی که این اصول را بداند و بپذیرد، واقع بینانه با مشکلات زندگی مقابله کرده و دارای سلامت روانی خواهد بود. (شاملو، ۱۳۷۶)

۳-۴- خصوصیات افراد دارای سلامت روانی:

بنابر تحقیقات انجمن ملی بهداشت روانی، افراد دارای سلامت روانی دارای خصوصیات زیر هستند:

آنان احساس راحتی می‌کنند، خود را آنگونه که هستند می‌پذیرند، از استعدادهای خود بهره‌مند می‌شوند، نگرانی، ترس واضطراب و حسادت کمی دارند و دارای اعتماد به نفس می‌باشند، سیستم ارزشی آنان از تجارب شخصی خودشان سرچشمه می‌گیرد، احساس خوبی نسبت به دیگران دارند، به علایق افراد دیگر توجه می‌کنند و نسبت به آنها احساس مسئولیت نشان می‌دهند، سعی نمی‌کنند بر دیگران تسلط یابند، آنها با مشکلات روبرو می‌شوند و نسبت به اعمال خود احساس مسئولیت می‌کنند، محیط خود را تا آنجا که ممکن است شکل می‌دهند و تا آنجا که ضرورت دارد با آن سازگار می‌شوند. (بنی جمال واحدی و واحدی، ۱۳۷۰)

۴- کرامت انسانی و سلامت روان:

مفهوم کرامت و منزلت، حق ذاتی و مسلم هر انسانی به احترام و حرمت و عزت نفس بوده که صرفنظر از قراردادهای اعتباری اجتماعی نظیر جنس، رنگ، نژاد و وضع جسمی و روانی مورد احترام همگان است. کرامت، مفهومی عمیق در نظام حقوق انسانی است. براساس اصلی مسلم و معروف در این زمینه، انسان‌ها آزاد آفریده شده و از کرامت و حقوقی برابر برخوردارند. در سطحی بین‌المللی، بخشی از افرادی که در عرف اجتماعی، کم‌توان ذهنی یا دارای برخی اختلالات روانی - اجتماعی خوانده می‌شوند، در بخش‌هایی از جهان که فاقد امنیت و حمایت‌های کافی مورد نیاز است، نه تنها از حقوق انسانی محروم بوده بلکه انگ‌های ناروا خورده و مورد آسیب‌های جسمی، عاطفی و روانی قرار گرفته و کرامت انسانی آنان مخدوش می‌شود. ضعف و ناکارآمدی برخی نظام‌های مراقبت‌های بهداشت روانی نیز مزید بر علت شده و موجب تشدید نقض حقوق ذاتی انسانی می‌شود و این بخش از افراد دستخوش آسیب‌های ذهنی و روانی - اجتماعی در بخش‌هایی از جهان می‌شود. ضعف قانون‌گذاری و فقدان قوانین و الزامات قانونی ضمانت‌بخش در بخش سلامت روان را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهایی دانست که در صورت رفع آن از طریق تقنین مناسب در پیوند با مراجع ملی و بین‌المللی مربوطه، می‌توان از پیشگیری موثر از تضييع حقوق انسانی و پايمال شدن کرامت و منزلت افراد مبتلا به اختلالات روانی - اجتماعی اطمینان حاصل کرد. قانون‌گذاری در این زمینه می‌بایست با امکان و قابلیت تشخیص تبعیض و تضييع حقوق و اعمال خشونت هر فرد دارای شرایط ویژه روانشناختی و پاسداشت و صیانت از کرامت و ارزش‌های انسانی وی پیش‌بینی، تدوین و اجرا شود. قانون‌گذاری موثر در این زمینه، نقش قاطعی در تأمین شرایط، نهادینه کردن ارتقای کیفیت مراقبت‌های روانی، کاهش انگ‌زنی و پیشگیری از سلب و تضييع حقوق

افراد واجد شرایط خاص روانشناختی خواهد داشت. نکته دیگری که نمی‌توان و نباید آن را از نظر دور داشت، مشارکت‌دادن و مشارکت‌یافتن خود افراد و شهروندان با شرایط و ویژگی‌های خاص روانشناختی - به عنوان ذینفعان مربوطه - در تهیه پیش‌نویس قوانین و ضوابط حفاظت‌آفرین مورد نظر برای تأمین و تضمین دفاع از حقوق انسانی آنان است. این مشارکت را می‌توان به‌عنوان مشارکت بهره‌وران قوانین مربوطه در وضع آنها قلمداد کرد. تقنین در این زمینه همچنین باید زمینه پذیرش داوطلبانه و حق انتخاب مبتنی بر رضایت آگاهانه در مورد انواع روش‌های مراقبت، درمان و مداخلات را فراهم آورده و حقوق بهره‌وران خدمات، برای تصمیم‌گیری‌های لازم در این زمینه را محترم شمرده و بهبود بخشد. بنابراین شعار فدراسیون جهانی بهداشت روان در سال ۱۳۹۴، مبین ضرورت چاره‌اندیشی برای تضمین تحقق و ارتقای منزلت و کرامت انسانی افراد واجد شرایط و ویژگی‌های خاص روانشناختی از طریق تقنین در سطحی بین‌المللی برای پیشگیری از تزییع کرامت و حقوق انسانی این قشر از جوامع مختلف در سطح جهان است. این شعار می‌تواند و باید از طریق حساس‌تر کردن محافل قانون‌گذاری و کارشناسی مرتبط با این موضوع مهم، زمینه اجماعی بین‌المللی برای تدوین نظام نامه‌ای حقوقی بدین منظور با همکاری‌های متقابل بین‌المللی میان دولت‌ها را فراهم آورده و از این ره آورد، حفاظتی موثرتر برای صیانت از حقوق و حیثیت این قشر از شهروندان جوامع را فراهم آورد. در کشور ما، ملهم از آموزه‌ها و اخلاق اسلامی و فراهم بودن امنیت و همچنین پیش‌بینی نظام مداخلات و مراقبت‌های حرفه‌ای مربوطه، این مسأله به شکلی حاد مطرح نیست. به نظر می‌رسد در بخش‌هایی از انگاره‌های فرهنگی کشورمان نوعی نگاه و داوری عمومی در پیوند با بخشی از اقشار کم‌توان ذهنی یا افراد دارای شرایط ویژه روانی و اجتماعی معادل انگ‌زنی به این قبیل افراد وجود داشته باشد که در کنار ایجاد دافعه‌هایی برای مراجعه و دریافت خدمات روانشناختی از مراکز مربوطه، پیامدهای روانشناختی و اجتماعی ناسازنده‌ای نیز می‌توان متوجه این افراد کرد. جا دارد این موضوع از سوی جامعه‌شناسان، روانشناسان، دین‌پژوهان و متخصصان سایر رشته‌های علمی مرتبط مورد کندوکاو و کنکاش قرار گرفته تا در صورت تأیید عمومیت این فرضیه، زمینه‌ای برای برون‌رفت از آن به دست داده شود. (بازیاری‌زاده، ۱۳۹۴)

۵- نتیجه‌گیری:

کرامت انسانی دارای معانی مختلفی است که برخی از آنها عبارتند از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام و موقعیت. انسان بعنوان اشرف مخلوقات، مورد توجه حق و شاخص‌ترین گوهر آفرینش است. آنچنان که حق تعالی بعد از خلقت انسان و سیر تکاملی او به خود "احسن الخالقین" گفته، تعبیری که در خصوص خلق مابقی خلایق استعمال نشده است و براساس اصلی مسلم و معروف در زمینه کرامت انسانی، انسان‌ها آزاد آفریده شده و از کرامت و حقوقی برابر برخوردارند و کرامت انسانی موضوعی است که از دیرباز مدنظر انبیا و اولیا الهی و دین مقدس اسلام بوده است و حال نیز در تمامی اسناد مربوط به حقوق بشر از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر، اصطلاح کرامت و منزلت انسانی وجود دارد. از دیدگاه علامه محمدتقی جعفری تبریزی کرامت انسانی به کرامت ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌شود و در اسلام نیز دو نوع کرامت ذاتی و کرامت ارزشی برای انسان بیان شده است که کرامت ذاتی به آن نوع شرافت و حیثیتی گفته میشود که تمام انسانها به جهت استقلال ذاتی، توانایی اخلاقی و وجهه و نفخه الهی که دارند، به طور فطری و یکسان از آن برخوردار هستند و کرامت اکتسابی آن نوع شرافت و حیثیتی است که انسان به صورت ارادی و از طریق به کار انداختن استعدادها و توانایی ذاتی خود در مسیر رشد و کمال و کسب فضایل اخلاقی، آن را به دست می‌آورد. همچنان در بخشی از آیات قرآن، از کرامت و ارجمندی انسان و برتری او بر دیگر موجودات سخن به میان آمده و در برخی، انسان، نکوهش و حتی بحث فروتر بودن او از حیوانات مطرح شده

است. کرامت انسانی در قرآن کریم به دو صورت کرامت تکوینی و کرامت اکتسابی بیان شده است. یافته ها نشان می دهند که کرامت امری شگرف است که انجام آن به نیروی فراحسی نیازمند است. چون نمی توان آن را با قوای طبیعی بشر انجام داد، بنابراین باید سرچشمه و منبعی غیرمادی داشته باشد. این منبع فرا مادی مقوله های روانی است، پس برای پی بردن به اساس کرامت باید از نظر روانی به دنبال شناخت آن بود. سلامت روانی هم کلی و وسیع تر از تندرستی تعریف شد و اصول اساسی آن عبارت بودند از: احترام به شخصیت خود و دیگران، شناخت محدودیت های خود و دیگران، پی بردن به علل رفتار، درک اینکه رفتار تابع تمامیت فرد است، شناسایی احتیاجات اولیه ای که سبب ایجاد رفتار و اعمال انسان می گردد. و در نهایت اینکه حفظ کرامت انسانی در سلامت روان امری بسیار جدی و ضروری برای یک جامعه می باشد و باید با قانون گذاری درست و آماده سازی زمینه های آن مورد توجه گیرد همچنان که شعار سال ۹۴ فدراسیون جهانی بهداشت روان، با عنوان "حفظ کرامت انسانی در سلامت روان" نشانگر ضرورت این چاره اندیشی برای تضمین تحقق و ارتقای منزلت و کرامت انسانی و پیشگیری از تزییع کرامت انسانی در جوامع مختلف در سرتاسر جهان می باشد.

منابع:

- [۱] قرآن کریم
- [۲] استیس، و.ت. (۱۳۶۱)، عرفان و فلسفه، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، چ ۲، تهران مرکز ایرانی مطالعه فرهنگ ها با همکاری انتشارات سروش.
- [۳] انوری حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: مهارت.
- [۴] بازیاری زاده یحیی (۱۳۹۴)، روزنامه شهروند، ش ۶۸۹_ ۱۳۹۴، ص ۱، حفظ کرامت انسانی در سلامت روانی.
- [۵] بنی جمال واحدی شکوه السات، احدی حسن (۱۳۷۰)، بهداشت روانی و عقب ماندگی ذهنی، تهران، نشر نی.
- [۶] پشت دار علی محمد و عباسپور خرمالو محمدرضا (۱۳۸۸)، کرامت از دیدگاه عرفان اسلامی و نظریه روان شناختی یونگ، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، ش ۱۶، پاییز ۸۸.
- [۷] جعفری تبریزی محمدتقی (۱۳۷۰)، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، انتشارات دفتر خدمات حقوق بین الملل جمهوری اسلامی ایران.
- [۸] دهخدا علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه، ج ۱۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- [۹] رفیعی هنر حمید (۱۳۹۴)، کرامت اکسیر سلامت روان.
- [۱۰] شاملو سعید (۱۳۸۱)، بهداشت روانی، تهران، رشد.
- [۱۱] شولتز دوان، شولتز سیدنی آلن، نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی (۱۳۹۲)، نشر نی، ص ۱۷-۱۸۵ و ۲۶۰-۲۷۶.
- [۱۲] طباطبایی محمد حسین، المیزان، انتشارات جامعه مدرسین، ذیل تفسیر آیه ۷۰ سوره اسراء.
- [۱۳] عزیز صابر، جعفر شجاعی (۱۳۸۹)، کرامت انسانی از دیدگاه قرآن، روابط عمومی اداره کل تبلیغات اسلامی استان اردبیل، وب سایت سازمان تبلیغات.
- [۱۴] قربان نیا ناصر (۱۳۸۷)، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ص ۸۶ - ۸۵.

- [۱۵] کاپلان هارولد، سادوک بنیامین (۱۹۹۷)، چکیده روانپزشکی بالینی، ترجمه پورافکاری، نصرت ا...، انتشارات آزاده.
- [۱۶] محرابی (۱۳۷۸)، وب سایت انجمن نواندیشان، قسمت روانشناسی کودکان سال ۱۳۹۰.
- [۱۷] مورنو آنتونیو (۱۳۷۶)، خدایان و انسان مدرن (از مجموعه فلسفه امروز)، ترجمه داریوش مهرجویی، تهران: مرکز.
- [۱۸] هاشمی سیدمحمد (۱۳۸۴)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۱، چ ۶، تهران، نشر میزان.
- [۱] هاشمی نصرت آباد تورج، باباپورخیرالدین جلیل، بهادری خسروشاهی جعفر (۱۳۹۰)، نقش سرمایه روانشناختی در بهزیستی روانی با توجه به اثرات تعدیلی سرمایه اجتماعی، پژوهشهای روانشناسی اجتماعی، دوره ۱، شماره ۴، زمستان ۹۰، ص ۱۲۳.
- [۱۹] هرشن سن، دیوید پاور، پال دلبلیو (۱۹۸۸)، مشاوره بهداشت روانی، ترجمه منشی طوسی محمد تقی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- [۲۰] یونگ کارل گوستاو، تحلیل رویا، ترجمه رضا رضایی (۱۳۷۷)، تهران: افکار.

- [۱] Black, Henry Campbell, Black's law Dictionary, ۶th, U.S.A., WestPublisher. ۱۹۹۱.
- [۲] Convention Against Torture and other Cruel, inhuman or Degrading treatment or punishment, UN, G. A. , Res. ۳۹/۴۶ of Dec. ۱۹۸۴.
- [۳] Corsini. R. (۱۹۷۳). Current Psychotheraphes. Peacock Pubilshers. Inc Itasaca. Lllonnis.
- [۴] Darden. C. A; Gazda. G. M. (۱۹۹۶). Life skills and mental health counseling.
- [۵] Ryff, C.D. & Singer, B. (۱۹۹۸). The contours of positive human health. Psychological Inquiry, ۹, ۱- ۲۸.
- [۶] Sullivan. H. S. (۱۹۵۳). The inter personal theory psychiatry, new York: Norton.
- Juornal of mental health counseling, ۱۸ (۲), ۸ -۱۳۴.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی